

این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

[موسوعة معارف الكتاب والسنة. ترجمه فارسی]

دانش‌نامه قرآن و حدیث / محمد محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران / ترجمه حمیدرضا

شیخی و دیگران. - قم: دار الحدیث، ۱۴۳۲ق = ۱۳۹۰ -

ج. - (پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۹۹)

ISBN (set) : 978 - 964 - 493 - 494 - 0

ISBN : 978 - 964 - 493 - 590 - 9

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه.

۱. احادیث موضوعی - دایرة المعارف‌ها. ۲. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۳. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. الف.

شیخی، حمیدرضا، ۱۳۴۵ - ، ب. عنوان: موسوعة میزان الحکمة. ج. عنوان.

BP ۱۳۶/۹/م ۳د ۲۱۳۸۴

فهرست‌نویسی پیش از انتشار، توسط کتاب‌خانه تخصصی حدیث/قم

دانشنامه قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی شیری

جلد نهم

بایگاری

مجموعی از پژوهشگران

ترجمه

حمید رضا شیری

دانش‌نامه قرآن و حدیث / ج ۷

محمّد محمّدی ری‌شهری

همکار: رضا برنجکار، سید محمّد کاظم طباطبایی، رسول افقی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: محمّد احسانی‌فر، عبدالهادی مسعودی
بازبین ترجمه: محمّد مرادی، محمّد هادی خالقی
بازبین نهایی: سید مجتبی غیوری
مصدریاب احادیث: محمّد رضا سبحانی‌نیا، محمود کریمیان، سید مهدی حسینی، علی حجیمی
اعراب‌گذار: مرتضی خوش‌نصیب، حسنین دباغ
مقابله‌گر با مصادر: عبد بهیانی، عبد‌الکریم حلفی، حمیدر وائلی
سروراستار: محمّد هادی خالقی
ویراستار فارسی: محمّد باقری‌زاده اشعری، سید محمّد دلّال موسوی، مرتضی بهرامی خشنودی
ویراستار عربی و شرح لغات: حسنین دباغ، عبد‌الکریم مسجدی، [شهید] نعمان نصری
مدیر آماده‌سازی: محمّد باقر نجفی
فهرست‌ساز: علی اصغر ذریاب
نمونه‌خوان فارسی: علینقی لنگران، محمود شباسی، سید هاشم شهرستانی
نمونه‌خوان عربی: محمّد علی دباغی، حمیدر وائلی
خوش‌نویس: حسن فرزندگان
حروفچین: علی اصغر ذریاب، فخرالدین جلیلوئند، حسین افخمیان
صفحه‌آرا: سید علی موسوی‌کیا
ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث
چاپ: اول / ۱۳۹۰
چاپخانه: دارالحدیث
شمارگان: ۲۰۰۰
قیمت دوره: ۱۵۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.ب. ۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ۷ صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲
فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهار راه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف: ۳ - ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲)

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان کوثر، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۴)

<http://darolhadith.ir>

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 494 - 0

darolhadith.20@gmail.com

ISBN: 978 - 964 - 493 - 590 - 9

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست اجمالی

۲۰. امت

۹	درآمد
۲۱	فصل یکم: راه‌نمایی شدن امت‌ها پس از گم‌راهی آنان
۳۳	فصل دوم: عبرت گرفتن از امت‌ها
۵۳	فصل سوم: عوامل پیشرفت امت‌ها
۶۷	فصل چهارم: علل نابردی امت‌ها
۱۳۳	فصل پنجم: نقاط تشابه امت‌ها
۱۳۷	فصل ششم: امتیازات امت اسلام
۱۷۱	فصل هفتم: ویژگی‌های امت محمد ﷺ در احکام شرعی
۱۸۹	فصل هشتم: ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری امت محمد ﷺ
۱۹۹	فصل نهم: اوصاف امت محمد ﷺ در تورات و انجیل
۲۱۱	فصل دهم: آینده امت محمد ﷺ در دنیا
۲۴۹	فصل یازدهم: چگونگی محسور شدن امت‌ها
۲۵۹	فصل دوازدهم: ویژگی‌های امت محمد ﷺ در قیامت
۲۷۳	فصل سیزدهم: گروه‌های امت
۲۹۹	فصل چهاردهم: آنان که در قرآن و حدیث، «امت» خوانده شده‌اند

۲۱. امانت

درآمد	۳۲۳
فصل یکم: اهمیت بازگرداندن امانت	۳۳۳
فصل دوم: موجبات امانتداری	۳۶۵
فصل سوم: برکت‌های امانتداری	۳۸۹
فصل چهارم: انواع امانت‌ها	۴۰۷
فصل پنجم: امانتداران	۴۲۹
فصل ششم: آداب امانت‌سیاری	۴۷۵

۲۲. امنیت

درآمد	۴۹۳
فصل یکم: جایگاه امنیت در نظام اسلامی	۴۹۹
فصل دوم: خطرناک‌ترین آسیب‌های امنیت	۵۲۵
فصل سوم: سیاست‌های امنیتی امام علی (ع)	۵۳۹
فهرست‌ها	۵۶۹

امت

درآمد

- فصل یکم : راه نیایی شدن امت با پس از کم راهی آنان
- فصل دوم : عبرت گرفتن از امت با
- فصل سوم : عوامل پیشت امت با
- فصل چهارم : علل نابودی امت با
- فصل پنجم : نقاط تشابه امت با
- فصل ششم : امتیازات امت اسلام
- فصل هفتم : ویژگی های امت محمدی در احکام شرعی
- فصل هشتم : ویژگی های اخلاقی و رفتاری امت محمدی
- فصل نهم : اوصاف امت محمدی در تورات و انجیل
- فصل دهم : آینده امت محمدی در دنیا
- فصل یازدهم : چگونگی محو شدن امت با
- فصل دوازدهم : ویژگی های امت محمدی در قیامت
- فصل سیزدهم : کرده های امت
- فصل چهاردهم : آنان که در قرآن و حدیث، «امت» خوانده شده اند



درآمد

اُمّت، در لغت

واژه «اُمّت»، در معانی مختلفی به کار رفته است، مانند: جماعت،^۱ خَلق،^۲ دین،^۳ طریقه،^۴ جیل،^۵ جنس،^۶ پیرو،^۷ زمان،^۸ و قامت.^۹

خلیل بن احمد فراهیدی در تبیین ریشه آن می گوید:

إِعلم أنَّ كلَّ شيءٍ يُضَمُّ إليه سائر ما يليه، فإنَّ العربَ تُسمِّي ذلك الشيءَ أُمَّاً.^{۱۰}
بدان که هر چیزی که دیگر چیزها به آن می پیوندند، عرب، آن را «اُمّ» می نامند.

ابن فارس، با الهام از سخن خلیل می گوید:

۱. الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۶۴ مادة «اُمم»، مفردات ألفاظ القرآن: ص ۸۶.

۲. مجمع البحرين: ج ۱ ص ۷۶.

۳. مجمع البحرين: ج ۱ ص ۷۵.

۴. الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۶۴.

۵. ترتیب کتاب العین: ص ۵۴، النهایة فی غریب الحدیث: ج ۱ ص ۶۸.

۶. الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۶۴.

۷. مجمع البحرين: ج ۱ ص ۷۶.

۸. الصحاح: ج ۵ ص ۱۸۶۴، مجمع البحرين: ج ۱ ص ۷۵.

۹. مجمع البحرين: ج ۱ ص ۷۶.

۱۰. ترتیب کتاب العین: ص ۵۴.

أما الهمزة والميم فأصل واحد، يتفرع منه أربعة أبواب، وهى: الأصل، والمرجع والجماعة والدين. وهذه الأربعة متقاربة، وبعد ذلك أصول ثلاثة، وهى: القامة والحين والتقصّد.

همزه و ميم، یک ریشه معنایی است که چهار باب گوناگون از آن منشعب شده‌اند [به این معانی]: اصل، محل رجوع، جماعت و دین. این چهار معنا، نزدیک به هم اند و پس از اینها، سه معنای دیگر قرار دارند: قامت، زمان و قصد.^۱

راغب اصفهانی در باره معنای «أُمَّت» آورده است:
والأمة: كل جماعة يجمعهم أمرٌ ما؛ إمّا دين واحد، أو زمان واحد، أو مكان واحد، سواء كان ذلك الأمر الجامع تسخيراً أو اختياراً، وجمعها: أُمَم.
أُمَّت، هر جماعتی را گویند که چیزی (وجه اشتراکی) آنها را گرد هم آورده باشد: یا دین مشترک، یا زمان مشترک یا مکان مشترک؛ چه این اشتراک، با اختیار خودشان باشد و چه قهری باشد.^۲

أُمَّت، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، واژه «أُمَّت» به معنای: جماعت،^۳ انسان جامع و کامل،^۴ دین،^۵ زمان،^۶ و کسانی که در یک روش زندگی جبری^۷ و یا

۱. معجم مقاییس اللغة: مادة «أُمَم».

۲. مفردات الفاظ القرآن: مادة «أُمَم».

۳. قصص: آیه ۲۳: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ؛ و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که [دام‌های خود را] آب می‌دادند».

۴. نحل: آیه ۱۲۰: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ؛ و به راستی که ابراهیم، امتی بود مطیع خدای».

۵. زحرف: آیه ۲۲: «إِنَّا وَجَدْنَا أَبْنَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ؛ ما پدرانمان را بر دینی یافتیم».

۶. یوسف: آیه ۴۵: «وَأَذْكُرُ بَعْدَ أُمَّةٍ؛ و پس از چندی، به یاد آورد».

۷. انعام: آیه ۳۸: «وَمَا مِن ذَاتَةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی طَیْرِ یَطِیرُ بِجَنَاحِهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَالُکُمْ؛ و هیچ جنبنده‌ای در

اختیاری^۱ شریک اند، به کار رفته است؛ لیکن آیات و احادیثی که در این بخش خواهند آمد، در باره معنای اوّل و دوم اُمّت^۲ اند.

اکنون پیش از ذکر متن آیات و احادیثی که موضوع آنها اُمّت یا اُمّت اسلامی است، به دسته‌بندی و ارزیابی اجمالی آنها می‌پردازیم.

یک. نگاهی کلی به تاریخ اُمّت‌ها

جامعه بشری، در آغاز پیدایش، اُمّت واحده بوده است، بدین معنا که مردم در جوامع اولیه، گرایش‌هایی یکسان داشته‌اند و اختلافی میان آنها وجود نداشته است؛ بلکه یگانگی و وحدت، بر آنان حکومت می‌کرده است. پایین بودن سطح فکری انسان‌های اولیه، ایجاب می‌کرد که نتوانند از رهنمودهای انبیای الهی و رهبری دینی، بهره لازم را ببرند. از این رو، آنان تنها به بخشی از وظایف انسانی خود - که فطرت الهی آنان ایجاب می‌کرد - عمل می‌کردند. گم‌راه نبودند؛ اما در جهت رشد و تعالی نیز حرکت نمی‌کردند و به تعبیر احادیث:

كَانُوا قَبْلَ نُوحٍ أُمَّةً وَاحِدَةً عَلَىٰ فِطْرَةِ اللَّهِ لَا تَمْتَدِّينَ وَلَا ضَلَالًا^۳.

پیش از نوح علیه السلام، قومی بودند که بر فطرت خداوندی یک‌صدا بودند؛ نه ره‌یافته بودند و نه گم‌راه.

فطرت الهی انسان‌ها و رهنمود انبیا و پیشوایان دینی از یک سو، و تمایلات

«زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر این که آنها نیز گروه‌هایی مانند شما هستند».

۱. آل عمران: آیه ۱۰۴: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ؛ و باید از میان شما گروهی باشند که به سوی خیر فراخوانند».

۲. گفتنی است که آیات و روایات این بخش، عمدتاً در باره اُمّت اسلامی است؛ لیکن معیارهایی که برای ارزشیابی، پیشرفت و انحطاط این اُمّت ذکر شده، قابل تعمیم به همه اُمّت‌هاست.

۳. ر.ک: ص ۲۰ ح ۱.

درونی^۱ و وسوسه‌های شیاطین جن و انس^۲ از سوی دیگر، به تدریج، زمینه را برای رشد و تکامل جامعه بشر فراهم کردند و بدین سان، مردم در آزمون سختی قرار گرفتند و میان آنان اختلاف پدید آمد. در این دوران از زندگی بشر، انبیای الهی موظف شدند به عنوان بخشی از وظایف خود، از طریق احکام و قوانین دینی، برای رفع اختلاف مردم اقدام کنند.

عده‌ای دعوت انبیا را پذیرفتند و سعادت‌مند شدند؛ اما پیشتر امت‌ها، تحت تأثیر تمایلات درونی و القانات شیطانی، در آزمون الهی شکست خوردند و هلاک گردیدند.

دو. عوامل پیشرفت و سقوط امت‌ها

برای این که آیندگان از سرنوشت امت‌های گذشته عبرت گیرند، در قرآن کریم و احادیث اسلامی، مهم‌ترین عوامل پیشرفت و سقوط امت‌های گذشته، بیان شده است. بر این اساس، مهم‌ترین عوامل پیشرفت امت‌ها عبارت‌اند از: رهبری انسان‌های شایسته، وحدت کلمه، شایستگی نخبگان، و تمسک به ارزش‌های اخلاقی و عملی.

مهم‌ترین عوامل سقوط و هلاکت امت‌ها عبارت‌اند از: رهبری انسان‌های ناشایسته و پیروی کورکورانه مردم از آنها، بدگمانی به رهبران دینی و تردید در استدلال‌های روشن آنها، تکذیب آیات الهی، به سخره گرفتن آموزه‌های دینی، دروغ بستن به خداوند متعال، توطئه بر ضد مکتب انبیا و مبارزه با حق‌طلبان، ظلم، افراط در هوسرانی، ترک نهی از منکر و مبارزه با فساد، غفلت از خطر تبه‌کاری،

۱. ر.ک: ص ۳۱ ح ۱۰ و ۱۱.

۲. ر.ک: انعام: آیه ۱۱۲.

گناه، اختلاف، فساد نخبگان، سوء تدبیر، علاقه به دنیای نکوهیده، اهمّیت ندادن به حقوق افراد مستضعف، و مفاسد فرهنگی و اقتصادی.

سه. دلیل همگونی امت‌ها در تقابل با پیامبران

از منظر قرآن کریم، امت‌های گذشته، در تقابل با ادیان راستین و رهبران دینی، مشابه^۱ عمل کرده‌اند. آنان انبیای الهی را تکذیب می‌کردند، منکر زندگی پس از مرگ بودند، خود را در انجام دادن کارهای ناشایسته، مجبور و معذور می‌دانستند و به خدا افترا می‌بستند.

در این جا با عنایت به فطری بودن دین، این سؤال، قابل طرح است که: اگر دین فطری است، دلیل همگونی امت‌ها در تقابل با آن چیست؟

پاسخ، این است که اولاً: قرآن، تصریح می‌کند که مخالفان پیامبران، مُترَفان و مستکبران بوده‌اند، نه توده مردم:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾^۲
وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ.

ما در هیچ شهری، هشداردهنده‌ای نفرستادیم، مگر آن که اسرافکارانِ آن گفتند: «ما منکر پیامی هستیم که شما برای آن فرستاده شده‌اید» و می‌گفتند: «ما دارایی و فرزندان بیشتری داریم و [لذا] عذاب نمی‌شویم».

مستکبران بودند که گاه، توده مستضعف را هم به دنبال خود می‌کشیدند:

﴿يَقُولُ الَّذِينَ اسْتِزْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾^۳

[در قیامت] مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید، حتماً ما از ایمان آورندگان می‌بودیم».

۱. ر. ک: ص ۱۳۳ (امت / فصل پنجم: نقاط تشابه امت‌ها).

۲. سبأ: آیه ۳۴ و ۳۵. نیز، ر. ک: اعراف: آیه ۷۶-۸۸.

۳. سبأ: آیه ۳۱.

وگاه، توده مستضعف، در برابر مستکبران، از انبیا حمایت می‌کردند، چنان‌که در مورد قوم صالح علیه السلام می‌خوانیم:

«قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»^۱

سران قوم او که استکبار ورزیدند، به مستضعفان که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می‌دانید که صالح، از سوی پروردگارش فرستاده شده است؟ [شاید دروغ بگوید!].» گفتند: «بی‌تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است، ایمان داریم.» مستکبران گفتند: «ما به آنچه شما به آن ایمان دارید کافریم.»

انبیای الهی با حمایت همین مردم مستضعف، دین خدا را به جهانیان عرضه کردند. بنا بر این، منظور از امت‌هایی که در طول تاریخ با دین و رهبران دینی مقابله کرده‌اند، مستکبران و زورمداران اند.

ثانیاً: علت همگونی امت‌های مستکبر گذشته در تقابل با پیامبران، این است که خصلت استکبار، ضدیت با حق و عدل است که اساس دعوت انبیای الهی است. بنا بر این، آن همگونی، منافاتی با فطری بودن دین ندارد.

نکته قابل توجه، این است که احادیث اسلامی، تأکید می‌کنند آنچه در امت‌های پیشین تحقق یافته، در امت اسلامی نیز تحقق خواهد یافت:

كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ؛ خَذَوِ التَّعَلُّ بِالتَّعَلِّ، وَ الْقُدُّ بِالْقُدَّةِ.^۲

هر چه در امت‌های پیشین بوده، در این امت هم خواهد بود، دقیق و موبه مو.

لیکن تکرار حوادث امت‌های گذشته، در ادوار میانی تاریخ امت اسلامی خواهد

۱. اعراف: آیه ۲۱۵.

۲. ر.ک: ص ۲۱۰ ح ۲۱۵.

بود؛ زیرا اُمّت اسلامی، فضایل (ارزش‌ها و برتری‌ها) و ویژگی‌هایی دارد که در نهایت، حق بر باطل پیروز خواهد شد. در حدیث نبوی آمده:

خَيْرُ أُمَّتِي أَوْلُهَا وَآخِرُهَا، وَفِي وَسْطِهَا الْكَدْرُ. (۱)

بهترین اُمّت من، آغاز و پایان آن است؛ ولی در میانه‌اش، تیرگی خواهد بود.

چهار. فضایل اُمّت اسلامی

در این مجموعه، فضایل فراوانی برای اُمّت اسلامی آمده است، مانند این که: شکل‌گیری این اُمّت، به دعای ابراهیم علیه السلام بوده؛ اُمّت اسلامی، بهترین اُمّت است؛ مشمول رحمت ویژه الهی است و برای جامعه بشر، سودمند و فرخنده است. فضایل این اُمّت، سهیب شده که هر چند از نظر تاریخی، پس از اُمّت‌های گذشته آمده است، اما از نظر ارزشی، بر آنها پیشی گرفته و لذا با عنوان «الآخرون السابقون» (پسینیان پیشی‌گیرنده) توصیف شده است.

در مورد فضایلی که بدانها اشاره شد، دو سؤال قابل طرح است:

الف - اعتبار احادیث فضایل اُمّت اسلامی

سؤال اول، این است که آیا سند احادیثی که فضایل (ارزش‌ها و برتری‌های) مختلفی را برای اُمّت اسلامی ذکر کرده‌اند، از اعتبار لازم برخوردار است یا نه؟ پاسخ، این است که قرآن کریم، در آیات متعددی، تصریح و تأکید بر فضایل اُمّت اسلامی دارد، مانند:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۲

شما بهترین اُمّتی بوده‌اید که از میان مردم، سر برآورده‌اید.

۱. ر.ک: ص ۲۱۰ ح ۲۱۴.

۲. آل عمران: آیه ۱۱۰.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^۱

و بدین سان، شما را امتی میانه [رو] قرار دادیم تا گواهانی بر [دیگر] مردم باشید.

لذا هر چند همه روایات مربوط به فضایل این امت، اعتبار لازم را نداشته باشند، از آن جا که مضمون آنها اجمالاً هماهنگ با قرآن است، ضعف سند آنها زیانی به اثبات ارزشمندی امت اسلامی و تقدّم آن بر دیگر امت‌ها نمی‌رساند.

ب- آیا امت اسلامی، به خودی خود فضیلت دارد؟

سؤال دوم، این است که آیا آیات و روایاتی که در باره فضایل امت اسلامی بیان شده‌اند، شامل همه جوامع اسلامی در طول تاریخ می‌شوند یا اختصاص به مقطع خاصی از تاریخ اسلام، و یا افراد خاصی از جامعه اسلامی دارند؟

تردیدی نیست که فضایل امت اسلامی، اختصاص به کسانی از این امت دارد که عملاً به ارزش‌های اسلام وفادارند. لذا قرآن کریم، وقتی از این امت، به عنوان «بهترین امت» یاد می‌کند، بی‌درنگ، آنان را با خصوصیت امر به معروف و نهی از منکر توصیف می‌نماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۲

شما بهترین امتی بوده‌اید که از میان مردم، سر برآورده؛ [چرا که] به کار نیک دستور می‌دهید و از کار زشت، باز می‌دارید.

از نگاه قرآن، عدالت اجتماعی، نخستین گام در حکمت بعثت همه انبیای الهی است. لذا در رأس همه نیکی‌هایی است که خداوند متعال به آن فرمان داده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

۱. بقره: آیه ۱۴۳.

۲. آل عمران: آیه ۱۱۰.

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.^۱

خداوند به عدالت و نیکوکاری دستور می‌دهد و به این که حق خویشان به جای آورده شود، و از فحشا و کار زشت و سرکشی، باز می‌دارد. شما را پند می‌دهد تا شاید پند بپذیرید.

بر این اساس، نخستین شرط صدق «امت اسلامی» بر یک جامعه، دفاع آنها از ارزش‌های دینی و در رأس همه، عدالت اجتماعی است. هر گاه امتی با شاخص‌های جامعه اسلامی^۲ شکل گرفت، دارای همه فضایی خواهد بود که در قرآن و احادیث اسلامی آمده است؛ اما جوامعی که تنها نام اسلام را با خود دارند و از ویژگی‌های امت اسلامی بی‌بهره اند، نه تنها فضیلتی ندارند، بلکه مشمول این پیشگویی تکان‌دهنده پیامبر خدا ﷺ نیز هستند که فرمود:

سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، يُسَمُّونَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ، مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ!^۳

زمانی بر امت من می‌آید که از قرآن، جز نوشته‌اش باقی نماند و از اسلام، جز نامش. مسلمان نامیده می‌شوند؛ اما دورترین مردم از اسلام اند. مسجدهایشان [از جمعیت] آباد و از هدایت، خالی است. دین‌شناسان آن زمان، بدترین دین‌شناسان زیر سایه آسمان اند. فتنه از آنان برمی‌خیزد و به آنان، باز می‌گردد.

پنج. نشانه‌های پیشرفت و انحطاط امت‌ها

بی‌تردید، استقرار عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی و عملی در جامعه و توسعه علمی و فرهنگی و اقتصادی، مهم‌ترین نشانه‌های پیشرفت امت‌ها هستند.

۱. نحل: آیه ۹۰.

۲. ر.ک: ص ۱۳۷ (امت / فصل ششم: امتیازات امت اسلام).

۳. ر.ک: ص ۲۳۲ ح ۲۴۹.

شش. آینده امت اسلامی

همان گونه که پیشوایان بزرگ اسلام پیش‌بینی کرده بودند، تمدن اسلامی در آغاز تاریخ اسلام، درخشش فراوانی داشت و تا قرن‌ها بر جهان حکومت می‌کرد؛ اما به تدریج افول کرد.

آنان نیز پیش‌بینی کرده‌اند که در آینده تاریخ، هر چند امت اسلامی گرفتار انحرافات گوناگونی خواهد شد، با این حال، به هر حال، گروهی از این امت، در طول تاریخ، به ارزش‌های اسلامی وفادار خواهند ماند و با تلاش‌های همین گروه، به تدریج، زمینه برای فراگیر شدن تمدن اسلامی در جهان، به رهبری تنها باقی‌مانده از خاندان خاتم النبیین^{علیه السلام}، فراهم خواهد شد.^۱

هفت. اطلاق «امت» به فرد

در قرآن و احادیث اسلامی، شماری از افراد که در دفاع از ارزش‌های دینی در مقطعی از تاریخ، تنها بوده‌اند و سپس دیگران از آنان تبعیت کرده‌اند و به آنها ملحق شده‌اند، امت نام گرفته‌اند، مانند ابراهیم^{علیه السلام}. این اطلاق، هماهنگ با ریشه لغوی کلمه امت - یعنی «اصل» و «مرجع» - است. در این گونه موارد، در اطلاق «امت» بر فرد، دو نکته لحاظ شده است: یکی تنها بودن در دفاع از ارزش‌های دینی در مقطعی از تاریخ، و دیگری مقتدا قرار گرفتن.

همچنین در برخی از احادیث، اطلاق امت بر فرد، به این دلیل است که آن فرد، جای‌گزین جماعت در انجام دادن کاری است، چنان که در حدیثی آمده است که پیامبر خدا خطاب به امام علی^{علیه السلام} فرمود:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ أُمَّةً وَحَدَكُ، كَمَا جَعَلَ إِبْرَاهِيمَ^{علیه السلام} أُمَّةً، تَمْنَعُ جَمَاعَةَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ

الْكُفَّارِ هَيْبَتِكَ عَنِ الْخَرَكَةِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ^۱.

خداوند، تو را به تنهایی یک اُمت قرار داده، چنان که ابراهیم علیه السلام را یک اُمت قرار داد و هیبت تو، گروه منافقان و کافران را از حرکت [واقدام] بر ضدّ مسلمانان، باز می‌دارد.

و نیز آنچه در شماری از احادیث آمده که برخی افراد، در قیامت، «یک اُمت» محشور می‌شوند، بدین معناست که آنان در قیامت، به تنهایی یک صف را تشکیل می‌دهند، برخلاف دیگر مردم که هر یک، در صف یک جماعت هستند. بنا بر این، آنان به تنهایی، حکم جماعت دارند.

www.ketab.ir